[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

فرهنگ و مسکن

شهرام پوردیهیمی *

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲٤
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۲۹

چکیده

هدف از طراحی محیط، تنها بر محور بیان‌های زیبایی شناسانه قرار نمی‌گیرد بلکه طراحان معمولاً از طریق ادراک موضوع طراحی، تشخیص مسائل و ارائه راه حل‌ها، طرحی را به نتیجه می‌رسانند که نه تنها به نیازهای کیفی کاربران پاسخ می‌گوید بلکه محیطی زیبا نیز خلق می‌نمایند. بنابراین هدف طراحی، خلق محیطی با اجزایی نظیر قرارگاههای رفتاری و مبلمانهایی است که همه آن‌ها متناسب با نیازهای رفتاری، انتظارات، توقعات و نیازهای کیفی کاربران متناسب قرار می‌گیرند. این بدان معناست که محصول چنین تلاشی باید بر اساس شناخت ویژگی کاربران یعنی" فرهنگ" آنان باشد، تا بتواند به نیاز آنان پاسخ گوید.

مردم و رفتارهای آنان بخشی از سیستم محیط‌های مسکونی می‌باشند، به طوری که رفتار و محیط را نمی‌توان از یکدیگر جدا فرض نمود. رفتارهای انسانی همواره در بستر محیط شکل می‌گیرند و نمی‌توان بدون در نظر داشتن تأثیر محیط، شرایط رفتاری را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار داد. بنابراین طراحی باید با تکیه بر دانش چگونگی تعامل انسان با محیط به نتیجه برسد. در حالیکه این دانش هیچ گاه کامل و بدون نقص نیست، طراحان نیز نباید بر اساس نقطه نظرهای شخصی عمل نمایند. اما تصمیمات طراحی می‌تواند در هر مقطع زمانی بر اساس اطلاعاتی که از طریق تحقیق به‌دست می آیند، اتخاذ شود.

فرهنگ یک مفهوم و ساختار نظری است، از سوی دیگر یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظیر تفکر انسان، جهان بینی، دیدگاه، رفتار و چگونگی انجام آن می‌باشد، معمولاً طراحان همواره بر اهمیت فرهنگ در محیط های مصنوع تأکید بسیار دارند، اما هیچ کدام در مورد چیستی آن یا چگونگی تأثیر فرهنگ بر محیط‌های انسانی به طور واضح سخن نگفته‌اند، زیرا طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روشن نشده و مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. چنانچه وجوه مختلف و حدود آن روشن گردد، می‌توان از مفهوم فرهنگ و وجوه آن در طراحی محیطی به نحوه قابل درکی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن، روش زندگی، محیط و معنا.

* استاد گروه آموزشی معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

مقدمه

انسان موجودی است که از طریق فرهنگ بر طبیعت چیره گشته و از مرحله بربریت، سرانجام به جامعه متمدن مدرن رسیده است. در سال ۱۸۷۱ میلادی سر ادوارد برنت تایلور انسان شناس (آشوری، ۱۳۸۱) انگلیسی با نشر کتاب فرهنگ ابتدایی واژه فرهنگ را به معنای علمی تازه در حوزه انسان شناسی مطرح نمود اما این علم تا سال ۱۹۲۰ میلادی هیچ گاه مورد استفاده قرار نگرفت.

فرهنگ به مفهوم سنتی آن به معنی تمدن استفاده می‌گردید، و فرهنگ افراد بر اساس رفتارهای آنان، غذا، موسیقی، هنر و ادبیات که ویژگی خاصی داشتند شناخته می‌شد، در حالی که تایلور فرهنگ را کلیت درهم تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که انسان را به گروه‌های خاصی از اجتماعات پیوند می‌دهد - که تعریف جامعی از فرهنگ می‌باشد - معرفی کرده است.

مفهوم تازه فرهنگ زمانی پدید آمد که نیاز به شناخت چگونگی و معنای زندگی و رفتار انسانی ضرورت پیدا کرد، زیرا مفاهیمی که علوم طبیعی برای شرح پدیده‌های طبیعی و زیستی برای بازگفت پدیده رفتاری انسانی ارائه می‌داد، رسا نبود چنان که رفتار انسانی را نمی‌توان تنها بر اساس نیازها و ساز و کارهای زیستی مانند نیاز به خوراک یا سرپناه برای ماندگاری فرد مطرح نمود. زیرا نیازهای حیاتی او همان نیازهای حیوانی است، در حالی که نیازها در دنیای انسانی با در آمیختگی با ارزش‌ها، آرمان‌ها، انتظارات، اخلاقیات، آداب و سنت ها شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرند.

سؤالات تحقیق

- کدام یک از عوامل فرهنگی در طراحی محیط‌های مسکونی مؤثر است؟
- آداب رفتاری با چه ساز و کاری بر محیط‌های مشترک بین واحدهای مسکونی تأثیر می‌گذارد؟
- شیوه زندگی ساکنان چه ملاحظاتی را بر محیط مشترک مسکونی تحمیل می‌نماید؟

فرهنگ

فرهنگ را از جهتی به "فرهنگ مادی" و "فرهنگ معنوی" تقسیم کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۱). فرهنگ مادی همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه‌ها و فرایندهای ساخت و ساز آن‌ها می‌دانند؛ و فرهنگ معنوی را شامل ارزش‌ها، باورها، اندیشه ها، دانش و فن ها، دین، آداب و سنت ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و همه فراورده‌های ذهنی انسان مطرح می‌کنند.

اما آنچه در ماهیت فرهنگ اهمیت دارد آن است که بن مایه‌های فرهنگی از طریق اجتماع و آموزش قابل انتقال است، لذا فرهنگ شامل همه بن مایه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد در درون آن زاده و پرورده می‌شود و از این راه به او "هویت فرهنگی" ارزانی می‌شود، که کل گرایش‌های رفتاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی رشد یافتن در یک فضای فرهنگی، نظامی از ارزش ها و معناها و هنجارهای رفتاری را چنان در ژرفنای وجود فرد یا طبیعت او می‌نشاند که کل نظام رفتاری او را پدید می آورد، یعنی تمام خواستن‌ها و نخواستن‌هایش را در وجود او می‌سازد. حتی تمامی نظام طبیعی حسی او را چنان در خود فرو می گیرد که بوها، مزه ها، رنگ و آواهای خوشایند و ناخوشایند را نیز از راه نظام فرهنگی خود دریافت و ارزیابی می کند.

تمامی آنچه در روان شناسی، خود آگاهی و ناخود آگاهی فردی و جمعی نامیده می‌شوند نیز از درون همین نظام بر می‌آید و تمامی ویژگی‌های فردی و جمعی از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

همین طریق پدید می‌آیند. به عبارت دیگر، زندگی انسانی یک زندگانی فرهنگی است که با عالم ارزش‌ها و معناها چنان جوش خورده است که از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

نظام فرهنگی به فرد یک نظام ارزشی و معنایی می‌بخشد که نظام رفتاری فردی پدید می‌آید و از قرار گرفتن نظام رفتاری افراد در درون نهادها و ساختارهای اجتماعی نظام های رفتاری جمعی، که جوامع را از یکدیگر جدا و بازشناسی می‌کند، بر می‌آیند. فرهنگ هم نظام حسی و عاطفی، یعنی نظام ارزشی و معنایی ناخود آگاه را به فرد می‌دهد و هم نظام ارزشی و معنایی خود آگاه را؛ یعنی نظامی که قالب آداب اخلاقی و نظری و به اصطلاح "جهان بینی فردی و جمعی " را منعکس می‌کند.

فرهنگ یک ایده، اندیشه، مفهوم و ساختار نظری است؛ همچنین یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظیر تفکر انسان، اعتقادات، اعمال و چگونگی انجام آن می باشد. معمولاً اغلب طراحان و محققین بر اهمیت و تأثیر فرهنگ در محیط‌های ساخته شده همواره تأکید داشته‌اند، اما هیچ کدام در مورد چیستی فرهنگ یا چگونگی تأثیر آن اظهار نظری ننموده‌اند (Rapaport, 2005).

زیرا اولاً طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روشن نشده، ثانیاً هیچ گاه موضوع فرهنگ به منظور تعیین وجوه و حدود آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. بررسی و تحلیل وجوه مختلف در آن و روشن کردن حدود آن‌ها، می‌تواند در به‌کارگیری آن در طراحی محیط بسیار سودمند باشد.

همچنان که اشاره شد، فرهنگ را می‌توان شامل هر آنچه که خصوصیات ویژه‌ای به انسان ها می‌دهد در نظر گرفت. از سوی دیگر تعاریف متعددی نیز توسط محققان مختلف ارائه شده که موضوع فرهنگ را بسیار پیچیده می‌نماید. اما در این تعاریف به سه مورد اصلی توجه شده و این موارد می‌توانند هدف اصلی در استفاده از فرهنگ را مشخص نمایند که آن سه مورد، روش زندگی، جنبه های ذهنی انسان و عادات و همسازی با محیط‌های مختلف می‌باشند.

روش زندگی (Life style) به نحوه زندگی انسان‌ها که انتخاب می‌کنند مربوط می گردد و بر ایده‌آل‌ها، قواعد، قوانین، رفتارهای روزمره زندگی و نظایر آن استوار است.

جنبه‌های ذهنی انسان‌ها به طرحواره‌های ذهنی، زبان و حتی انتخاب محیط های زندگی و نحوه استفاده از قرارگاه‌های رفتاری مربوط می‌گردد، که این جنبه ها از نسلی به نسل دیگر از طریق تبادلات فرهنگی انتقال پیدا می‌کند.

همسازی با محیط به موضوعاتی نظیر استفاده از منابع موجود در محیط و روشهای خاصی که انسان برای استفاده از سیستم‌های طبیعی در محیط‌های مختلف برای بقا خود کشف نموده، نظر دارد.

هدف از فرهنگ در روش زندگی، فراهم نمودن شرایطی برای زندگی است که از طریق ارائه قانون‌مندی‌های لازم برای چگونگی شکل‌گیری آن مطرح می شود. هدف از جنبه ذهنی کنترل همه مواردی که در روش زندگی وجود دارد، می‌باشد. این شرایط نه تنها کنترل را از راه تطابق موارد فوق با اطلاعات ذهنی افراد امکان پذیر می‌نماید، بلکه عامل مهمی برای پدید آوردن معنی نیز می‌باشد. همسازی در محیط‌های مختلف، تعریفی برای مشخص کردن گروه‌های اجتماعی است، هدف اصلی جداسازی گروه های مختلف، مشخص نمودن تفاوت آن‌ها با یکدیگر است. لذا در ترکیب جنبه‌های مختلف فرهنگ با یکدیگر، می‌توان مشاهده نمود که تأکید اصلی بر روش زندگی افراد و روش زندگی اجتماعی آنان می‌باشد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

باید توجه داشت، تعاریف مختلفی که از فرهنگ ارائه گردیده، در تضاد یا تناقض با یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه این تعاریف مکمل یکدیگرند. نکته دیگر اینکه در علوم، یا در موضوعات مختلف استفاده از فرهنگ با اهداف متفاوت صورت می‌گیرد. این تعاریف مختلف که وجوه گوناگونی را مد نظر قرار می‌دهند کاربردهای وسیع تری از فرهنگ را در علوم و موضوعات میسر می‌کند.

اما در محیط‌های ساخته شده، برقراری ارتباط بین فرهنگ و محیط زندگی، به سبب کلی گرایی و مختصر بودن تعریف فرهنگ، غیر ممکن به نظر می رسد. لذا به منظور آگاهی از ابعاد و وجوه خاصی از فرهنگ که در طراحی تأثیر دارند، باید تعاریف لازم برای آن‌ها ارائه گردند.

فرهنگ کاربران و محیط مصنوع

در طراحی محیط‌های مصنوع، کاربران در گروه‌های اجتماعی مختلف از موضوعات کلیدی می‌باشند و در بیشتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحان می‌باشد. این تفاوت‌ها ممکن است حتی در خرده فرهنگ‌ها نیز وجود داشته باشد. تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به سبب تعابیر و تفاسیر متفاوتی از محیط ها و رفتارهای درونی آن‌ها توسط طراحان، مشکلات بسیاری را برای کاربران به وجود آورد. لذا در تمام شرایط، قرارگاه‌ها و رفتارهای درون آن‌ها باید به خوبی تجزیه و تحلیل و تعریف گردند. زیرا در قرارگاه‌های رفتاری "بُعد معنایی ویژه‌ای" وجود دارد که به فرهنگ کاربران وابسته می‌گردد و نوع استفاده از آن‌ها، مکان قرارگیری، نحوه همجواری‌شان و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تحلیل آن‌ها تلاش دارد نشان دهد که افراد چه کارهایی را در کجا، چه وقت، چرا و با چه کسانی انجام می‌دهند. زیرا ارتباط انسان با محیط از طریق ساز و کار ادراک صورت می‌گیرد. از سوی دیگر معانی محیط‌های مصنوع و ادراک افراد از آن، به سبب تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند متفاوت باشد. لذا معنی در محیط‌های رفتاری به قرارگاه‌ها، مکان‌ها و گروه‌های کاربران وابسته می‌باشد. کاربران بر اساس فرهنگ طبقه‌بندی می‌گردند و بسیاری از رفتارهای اجتماعی نیز به فرهنگ وابسته می‌باشد.

گوناگونی بسیار زیاد فعالیت‌ها، قرارگاه‌های بسیار زیادی که بر اساس نیازهای فرهنگی شکل می‌گیرند را به وجود می‌آورند. این بدان مفهوم است که، "معنی" در محیط‌های ساخته شده چیزی نیست که به عملکرد اضافه می‌گردد، بلکه "معنی" خود مهم‌ترین عاملی است که محیط باید به آن پاسخ دهد. لذا نیازهای کیفی اغلب مهم‌تر از نیازهای کمی هستند و به همین دلیل است که در اغلب مواقع کاربران در انتخاب های خود به گونه‌های متفاوتی عمل می کنند، زیرا نیازهای کیفی نقش اصلی را در ارزیابی و ترجیحات آن‌ها ایفا می کنند. لذا" بُعد معنایی " نقش مهمی در خلق فضاهای گوناگون دارد. یعنی در برخی از فضاها که روش استفاده مشابهی دارند ، به سبب شیوه زندگی متفاوت کاربران قواعد و استانداردها در آن ها معمولاً متفاوت از یکدیگر می‌گردند. برای مثال ارزش گذاری بر سطح روشنایی محیط‌های زندگی، میزان صدا، دمای محیطی در آن‌ها، ابعاد، نوع و شکل پله ها، ایجاد هویت در محیط‌های مسکونی و کار، میزان تراکم و ازدحام در محیط‌های مسکونی، از نمونه موضوعاتی هستند که در بسیاری از نقاط با یکدیگر متفاوتند (Rapaport, 2005).

در تحقیقات انجام یافته، میزان سطح روشنایی در آمریکا بین ۱۰ تا ۲۰ برابر بیشتر از سطح روشنایی در فنلاند و سوئد می‌باشد. همچنین میزان تراکم مسکونی در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

هنگ کنگ ۴۰ تا ۵۰ برابر بالاتر از تراکم مسکونی در آمریکا است. در واقع تراکم بالا در یک زمینه فرهنگی معنایی کاملاً متفاوت در زمینه فرهنگی دیگر دارد. در محیط‌های مسکونی، فرهنگ نقش پر اهمیتی در تعبیر و تفسیر تراکم و میزان فضای باز بین ساختمان ها خواهد داشت (Rapaport, 2005).

فرهنگ می‌تواند نقش متفاوت خود را از طریق ساز و کارهای متفاوت ایفا نماید. تمایل یا عدم تمایل به معاشرت و تعامل با خویشاوندان، یا با افراد غریبه به فرهنگ اجتماعی وابسته می‌گردد. معنی خویشاوندی نیز در فرهنگ‌ها متفاوتند. همچنین نوع حریم فضاها، انتظام فضاها و رفتارها در طی زمان در آن‌ها و آداب و تعاملات، در فرهنگ ها متفاوت می باشند. بنابراین ساز و کار حریم های شخصی نیز از متغیرهای فرهنگی می‌باشند. تأثیر منفی تراکم و ازدحام منجر به ایجاد تنش و فشارهای درونی می‌گردد. تنش و فشارهای روانی به طور معمول حاصل ارزیابی یا حاصل یک شرایط نامطلوب نسبت به شرایطی قابل قبول، یا معانی است که در هر شرایط به وجود می‌آید. برای مثال؛ وجود اشراف به داخل فضاهای باز یا بسته مسکونی، که به دلیل تراکم زیاد و ازدحام به وجود می‌آید، به تعریف "افراد غریبه و نوع ترفندهای مختلف برای جلوگیری از اشراف" ارتباط و بستگی پیدا می‌کند. عوامل ایجاد کننده فشارهای روانی به میزان توقعات افراد، قواعد و آداب زندگی آن‌ها و طرح واره های ذهنی‌شان بستگی پیدا می‌کند، که همه این شرایط از عوامل فرهنگی سرچشمه می‌گیرند. از سوی دیگر طراحی که فرایندی از انتخاب راه حل بهینه از بین گزینه‌های مختلف می‌باشد، باید با هدف دستیابی به برترین شرایط ممکن برای تأمین خواسته های کاربران انجام گیرد. لذا باید اولویت‌های مورد نظر کاربران در درجه اول اهمیت قرار گرفته و طراحان در مرحله برنامه‌ریزی باید این اولویت‌ها را به خوبی شناسایی نمایند. عموماً معیارهای مورد نظر کاربران در فرایند انتخاب اولویت‌ها، بر اساس اصلاح و بهبود محیط فیزیکی زندگی‌شان قرار دارد، که بر زمینه فرهنگی آنان استوار است. معیارهایی که در خانه‌های بومی در اجتماعات سنتی به کار گرفته شده، بر اساس نیازهای کاربران در شرایط تکنولوژیکی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران بوده است، که بدون در نظر داشتن و آگاهی از معیارهای آن‌ها، محیط های سنتی قابل درک نخواهند بود. اگر چه در طول دوران مدرن معیارهای مورد نظر کاربران در بسیاری از جوامع تغییر یافتند، اما در برخی از اجتماعات معیارهای سنتی هنوز باقی هستند. (تصویر شماره۱)

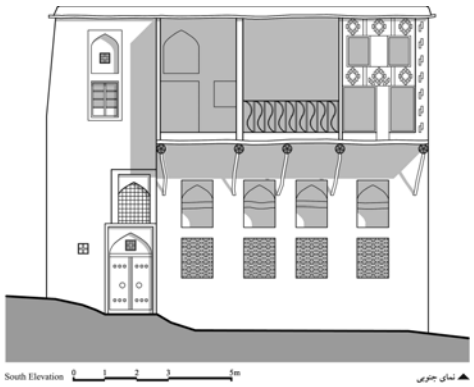

سازماندهی فضای داخلی متناسب با نیاز کاربران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

فرهنگ‌های مختلف معیارهای متفاوت و زیادی را برای ارزیابی در نظر می‌گیرند، معیارها می توانند بر اساس شأن و مرتبه افراد، طرح واره‌ها و تصاویر ذهنی، ایده‌آل‌ها، قانون مندی، آداب زندگی و آداب اجتماعی شکل گیرند، که تفاوت در معیارها، تفاوت‌های فرهنگی گروه‌های مختلف و محیط آنان را مشخص می‌نمایند. در بسیاری از جوامع با وجود تشابه بعضی از معیارهای فرهنگی آن‌ها، معیار مرتبه اجتماعی افراد، اقتصاد- اجتماعی و اولویت نیازهایشان، اختلاف فاحشی را در کیفیت های محیطی و اجتماعی آن‌ها به وجود می آورد.

معیارهای کیفی و چگونگی به کارگیری آن‌ها در طراحی محیط‌های مصنوع، بر بعضی از ایده آل‌ها و برخی از تفکرات مردمی ایده آل تأثیر داشته و منجر به یک زندگی ایده آل در محیطی ایده آل می‌گردد. این گونه شرایط در طرح واره‌ها و تصاویر ذهنی ساخته می‌شوند، و اغلب یا معمولاً مفهومی و غیر قابل تغییرند، و در ذهن ناخودآگاه انسان ها قرار دارد، و به قواعد و استانداردها و نظایر آن وابسته می‌گردند. این عوامل از طریق توقعات و انتخاب‌ها، به نوعی خاص از تفکر درباره کیفیت محیطی منجر می گردد و " معنی " در این میان به‌عنوان اصلی ترین عامل نقش ایفا می‌کند. بنابراین کیفیت محیطی با شأن و مرتبه افراد، هویت آن‌ها، و نظایر آن در ارتباط قرار می‌گیرد. قوانینی که برای ایجاد معیارها استفاده می‌شوند، قوانین فرهنگ - اجتماعی است، که از طریق قوانین اجتماعی، طرح واره های ذهنی و ایده آل‌ها تعیین می‌گردند. با تغییر فرهنگ، ایده آل ها و تصاویر ذهنی نیز تغییر می‌کند، در چنین شرایطی ایده آل‌ها و تصاویر و در نتیجه محیط‌های زندگی گرایش به طرف معیار های عمومی پیدا می‌کنند. هم چنان که قبلاً اشاره گردید، اصطلاح فرهنگ، یک ساختار نظری است و یک

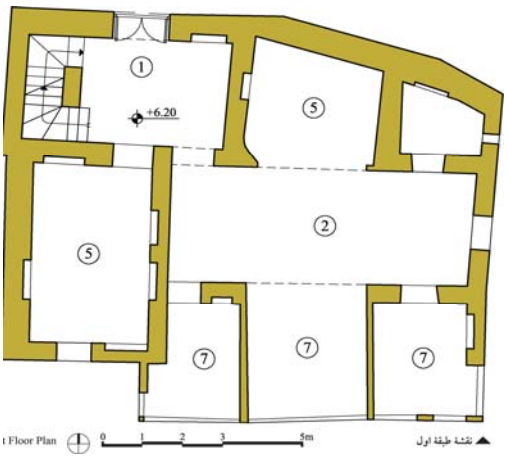

۱. ورودی
۲. حیاط
۵. اتاق
۷. ایوان

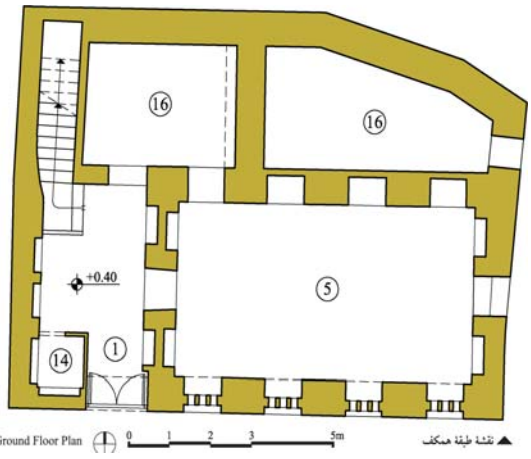

۱. ورودی
۵. اتاق
۱٤. دستشویی
۱٦. انبار

"ت ۱" خانه کبیریان، ابیانه، شهرستان نطنز.
نیازهای کاربران با توجه به شرایط تکنولوژیکی، اعتقادی و اقلیمی دوره زمانی خود تعریف و اجرا شده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

ویژگی بسیار وسیعی از پدیده‌های انسانی را مشخص می‌نماید، لذا محدوده‌ای بسیار وسیع دارد و تعاریف بسیار زیادی برای آن ارائه شده است، در نتیجه تبیین رابطه فرهنگ و محیط بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین، چنین اصطلاح کلی نمی‌تواند به طور مفید شرایطی را تشریح نماید که تأثیر دانش در طراحی مورد استفاده قرار گیرد. لذا برای عملی کردن آن در طراحی، باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (تصویر شماره ۳و۲)

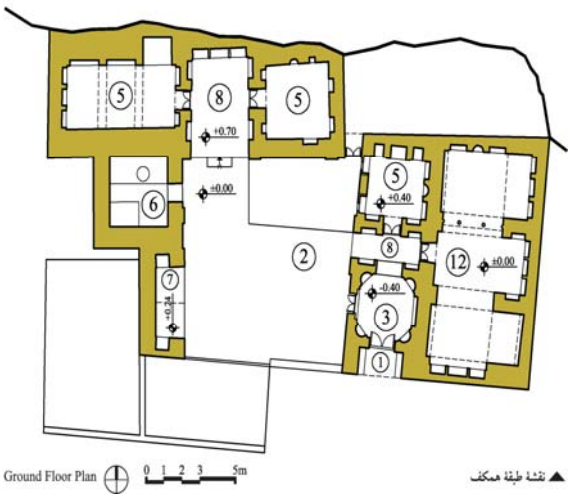

۱. ورودی
۲. حیاط
۳. هشتی
۵. اتاق
۶. شاه نشین
۷. ایوان
۸. راهرو
۱۲. مجلسی

"ت ۲" خانه مهدوی، تیکدر، شهرستان زرند، کرمان.
حیاط به عنوان فضای زندگی در اقلیم کویری زرند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

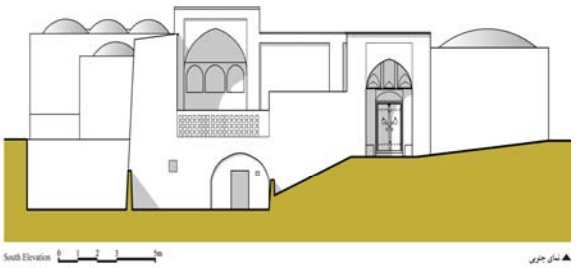

نمای اصلی.

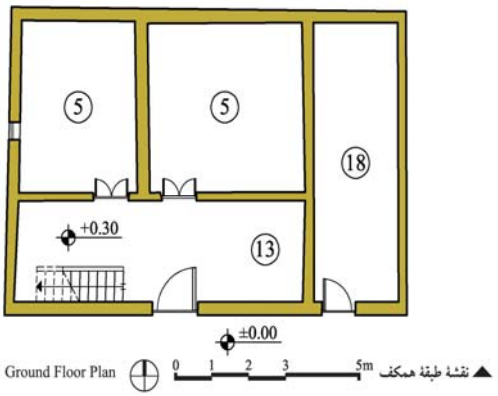

۵. اتاق
۱۳. آشپزخانه
۱۸. طویله

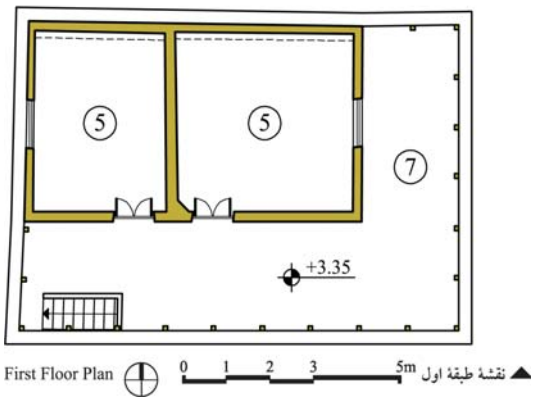

۵. اتاق
۷. ایوان

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

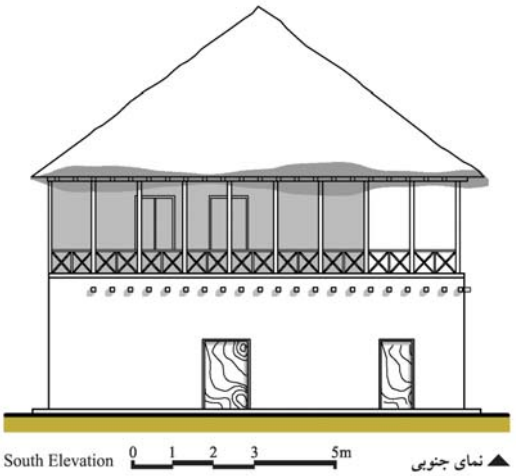

▲ نمای جنوبی

حجم کلی بنا.

"ت ۳" خانه بردبار، ماکلوان، شهرستان فومن.
به‌دلیل تفاوت‌های فرهنگی، معیشتی، اقلیمی سازمان فضایی خانه متفاوت با دیگر گونه های مسکن است.

راپاپورت در دهه ۱۹۷۰ (Rapaport) با هدف آگاهی از ساختار کلی فرهنگ و عوامل تأثیر گذار آن بر محیط‌های ساخته شده آن را به اجزایی تقسیم می‌کند، او با آگاهی از این موضوع که تجزیه فرهنگ در سطوح کلی هنوز قابلیت ارتباط با محیط را ندارد پیشنهاد خود را ارائه داده است و اظهار می‌دارد که این روش به هر حال درک عمومی از ماهیت کل‌نگر فرهنگ و اجزای کلی تشکیل دهنده آن را تا حدودی ارتقاء می‌بخشد. در این روش بخش‌هایی از محیط با اجزائی از فرهنگ نظیر، جهان بینی، ارزش‌ها، تصورات، هنجارها، روش زندگی و سیستم‌های فعالیت می‌تواند در ارتباط نزدیک قرار گیرد.

جهان بینی هنوز مفهومی انتزاعی است که استفاده از آن مبهم به‌نظر می‌رسد، شاید بتوان اظهار داشت که جهان‌بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی شناسی است. لذا یکی از جنبه‌های آن ارزشهاست، که انتخاب ها و اولویت‌های مورد نظر کاربران به آن‌ها وابسته است. انتخاب نوع مسکن، محیط‌های همسایگی و اقتصاد گروه‌های اجتماعی از موضوعاتی هستند که به ارزش‌ها بستگی پیدا می‌کنند.

ارزش‌ها که در ارزیابی محیط نقش مهمی ایفا می‌کنند، از طریق ایده آل ها، تصورات، طرح واره‌ها و معانی بیان می‌شوند که این جنبه ها منجر به ایجاد هنجارها، استانداردها، قوانین، توقعات و ... می‌گردند، که در نهایت همه آن‌ها به روش زندگی وابسته هستند. مفهوم روش زندگی به‌طور ویژه به انتخاب کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و شیوه فعالیت‌ها که مربوط به روش زندگی در محیط‌ها می‌باشد، منجر می‌گردد. روش زندگی مفهومی است که به هر حال در محیط‌های ساخته شده بر اساس ارزش‌ها یعنی ایده آل‌ها، تصورات، طرح واره‌ها و ... شکل می‌گیرد و در جوامع پدید می‌آید. آنچه که در ماهیت روش زندگی در محیط‌های ساخته شده اهمیت پیدا می‌کند آن است که روش زندگی منحصر به یک فضا نیست، بلکه در مقیاس‌های مختلف و در محیط های گوناگونی پدید می‌آید، به همین سبب تنوعات زیادی پیدا می‌کند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

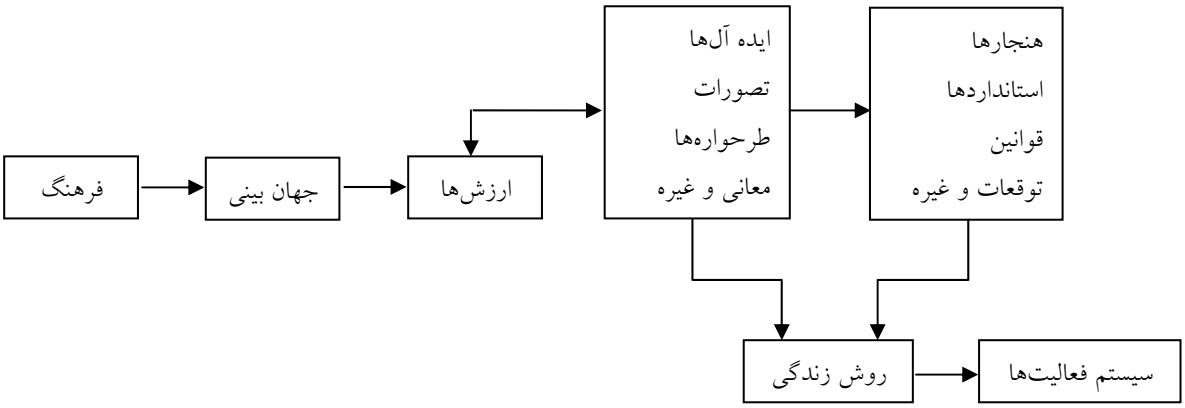

"ت ٤" تجزیه فرهنگ در پاسخ به ماهیت کل نگر آن. (راپاپورت،۲۰۰۵)

روش زنـدگی در هـر یـک از فضـاهای زنـدگی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است.

روش‌های طبخ غذا یک تجلی فرهنگی است، زیـرا در فرهنـگ‌هـای مختلـف تهیـه غـذاهای متفـاوت، شـرایط یکسانی نخواهند داشـت ، هـم چنـین روش زنـدگی در مجموعه‌ای از فضاها که با هدف مشخصی در یک بنـا در نظر گرفته می شود نیز شرایط گوناگونی پیدا می‌کند. لـذا می‌توان روش زندگی در محیط‌هـای سـاخته شـده را بـه روش زندگی در یک فضا، یا در مجموعه‌ای از فضاها در یک عرصه، روش زندگی در بناهای مختلف با کاربریهای متفـاوت، روش زنـدگی اجتمـاعی در محیطـی کـلان طبقه‌بندی نمود. زندگی اجتماعی نیز خـود بـه دو گـروه تقسیم می‌گردد، یکی زندگی اجتماعی خویشـاوندی کـه شامل روابط با خویشاوندان و بنیان خـانواده مـی‌گـردد و دیگری زندگی اجتماعی عمومی، که شبکه‌های اجتماعی، نهادها و نظایر آن را در بر می‌گیرد.

در فراینـد طراحـی اهـداف در روش زنـدگی، توسـط "موضوعات مفهومی " به منصه ظهور می‌رسند.

موضوعات مفهومی نیز از طریق ایده آل‌هـا، تصـورات، طرح واره‌ها، قوانین و استانداردها، که در به ثمر رسیدن اهداف در روش زندگی نقش اصلی را ایفـا مـی‌کننـد، مشخص می‌گردند. موضوع مفهومی هـر مبحـث، جنبـه، مسئله یا وضعیتی است که یک جواب طراحی را می‌طلبد تا طرحی موفق ارائـه گـردد. موضـوعات مفهـومی، در مدیریت گردآوری اطلاعات و تنظیم اطلاعات نیز بسـیار مؤثر می‌باشند. آن ها اکثر مباحث پایه در طراحی را در بر می‌گیرند و معمولاً اولویت و اهمیت، در ساختمان‌هـا بـا کارکردهای متفاوت، مختلف مـی‌باشـند. برخـی از آن‌هـا عبارت از قلمرو، سلسله مراتب، امنیت، حـریم، انعطـاف پذیری، قابلیت شنوایی، آسایش، راحتی، اقتصاد، مصـرف مناسب انرژی، ارتباط، تعامل، دوام، تطبیق پذیری، تصویر ذهنی، تعامل، خوانایی، نگهداری، شخصـی کـردن فضـا، ایمنـی، تمیـزی، حـس بویـایی، مانـدگاری و نظـایر آن می‌باشند.

در واقع ارزش‌هـای ویـژه‌ای کـه در روش زنـدگی در سوژه‌های مختلف وجود دارنـد، اولویـت موضـوعات را تعیین مـی‌کننـد. موضـوعات در روش زنـدگی طیفـی از کیفیت‌ها هستند که در بین دو حد مفرط قرار مـی‌گیرنـد. در یک پروژه خاص سطح مناسب این کیفیت ها به یکـی از دو سر طیف متمایل می‌گردد، در حالی‌که در پـروژه‌ای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

دیگر ممکن است در جهت عکس آن قرار گیرد. یعنی اهداف ایجاد بیمارستان در یک شهر، با اهداف بیمارستانی در ناحیه‌ای از شهر، یا بیمارستانی برای خدمات فرا منطقه‌ای متفاوت هستند. هم چنین در محیط‌های مسکونی که حریم و امنیت دو موضوع مهم در طراحی می باشند، نظارت و کنترل ساکنان بر فضاهای باز عمومی، در اولویت قرار می‌گیرد، در حالی‌که در برج‌های مسکونی به سبب جمعیت زیاد ساکن در آن ها، کنترل در ورودی و دسترسی افراد به فضاهای مشترک داخلی برج در اولویت قرار می‌گیرد، به این ترتیب در برج‌های مسکونی به سبب جمعیت زیاد ساکن در آن‌ها، کنترل در ورودی و دسترسی افراد به فضاهای مشترک داخلی در اولویت می‌باشند، لذا هر پروژه اهدافی را برای اولویت بندی موضوعی دارد که به خوبی طیف کیفیت‌ها را نشان می‌دهند. در حقیقت هدف نهایتی است که انسان می کوشد تا آن را به دست آورد، یا تلاش های او به آن سمت جهت می‌گیرد. هدف، انسان را به حرکت وا می‌دارد و محرکی برای تصمیم‌گیری‌های او می‌باشد.

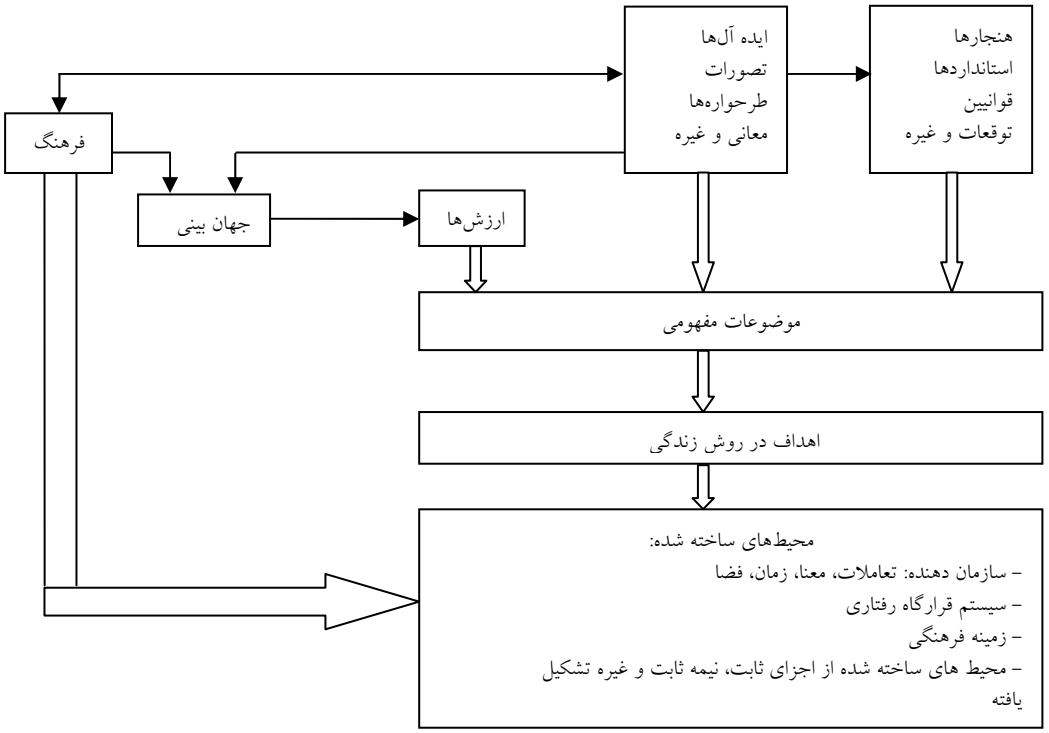

"ت۵" تجزیه روش زندگی و تأثیر آن در ماهیت محیط‌های ساخته شده.

ماخذ: نگارنده.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

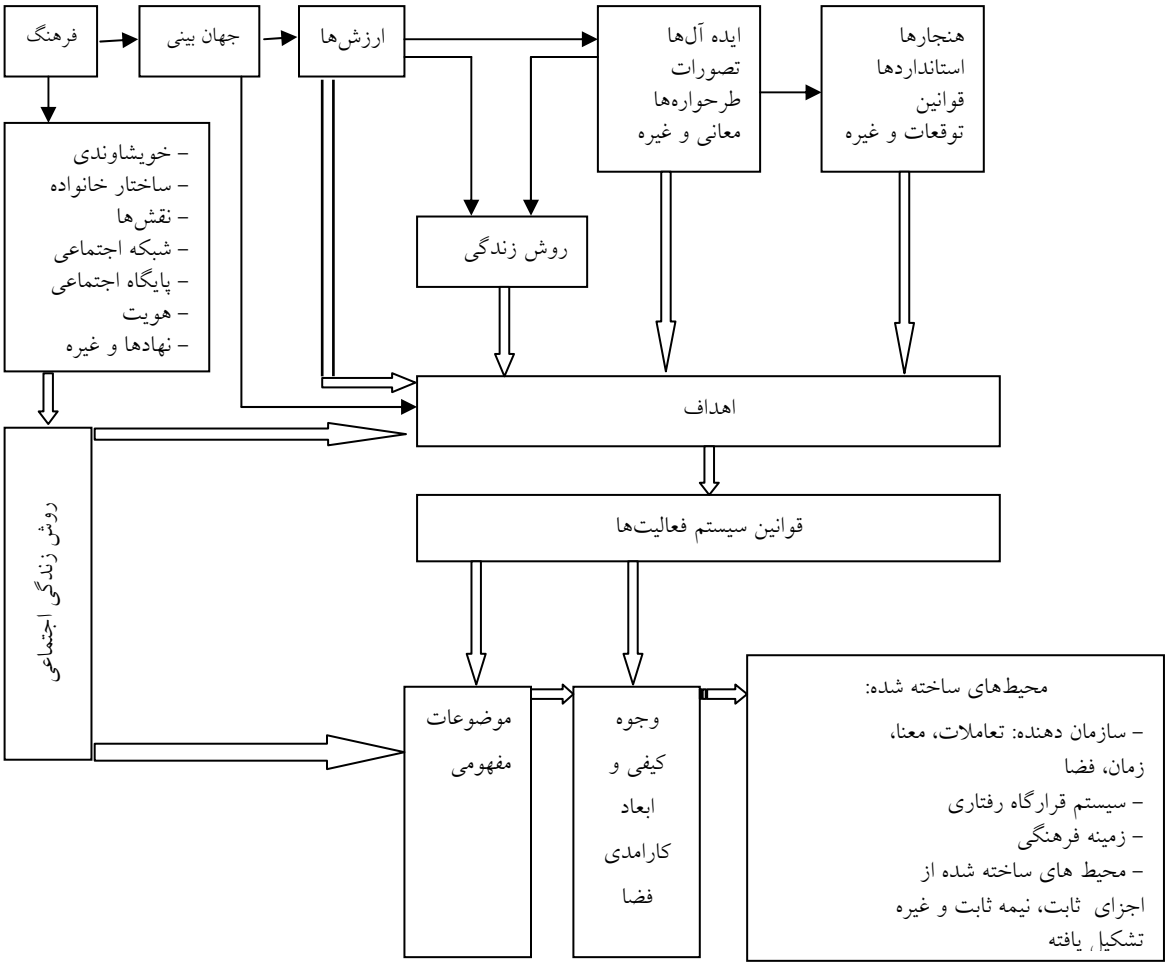

"ت٦" تجزیه فرهنگ به اجزا و عناصر خرد و ارتباط آن با محیط‌های مسکونی. ضخامت پیکان‌ها و جهت آن‌ها متناسب با تأثیر عناصر است.

ماخذ: نگارنده.

سایکس و داهل (sykes & dahl,1983) اظهار می‌دارد که، درک انسان از مسائل طراحی چیزی نیست جز روشن کردن ارزش ها، تشخیص اولویت ها و در نظر گرفتن اهدافی که در تکمیل نیازها و عوامل بالقوه طراحی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند.

اغلب انسان‌ها به خود می‌گویند که اگر امکان داشت که جهان را با روش خود اداره کنند چقدر عالی بود، هر فردی راجع به چگونگی دنیای خود، ارزش‌ها و ایده‌آل‌هایی دارد، برخی اوقات این ارزش ها و ایده آل ها کاملاً واضح و خود آگاه هستند، برخی اوقات

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

ناخود آگاه، ولی اولویت‌ها برای افراد مختلف متفاوت است، به‌خصوص در فرهنگ‌های متفاوت یا برای گروه‌های مختلف اجتماعی، اهداف بازتاب ارزش‌های فردی و فرهنگی هستند.

یادآوری ضرورت توجه به جنبه‌های کیفی فعالیت‌ها، یعنی "معنی در محیط‌های ساخته شده"، به این سبب است که ویژگی محیط‌های مسکونی، به ویژگی فعالیت‌های درونی آن ها وابسته است، که ارتباط بین فرهنگ و محیط آن‌ها را تعیین می‌کنند، یعنی روش زندگی و نحوه فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی بسیار پر اهمیت می‌باشند. بنابراین تجزیه و تحلیل مجدد فرهنگ در طراحی محیط‌های ساخته شده ضروری به نظر می‌رسد. زیرا شیوه زندگی گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه‌های اجتماعی نظیر؛ سن، جنس، نسل، طبقه، نژاد، قبیله، طایفه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی، این ویژگی را تعیین می‌کنند، که می‌توانند شیوه‌های مختلف زندگی را پدید آورند. از سوی دیگر روش زندگی به طور فزاینده‌ای در تقسیم بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده‌کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز درباره شیوه زندگی گروه‌های مختلف را می‌توان از طریق الگوهای مصرف، خوراک، پوشاک، حمل و نقل، رسانه‌ها، کتب، سیستم فعالیت‌های زندگی، نوع تفریح، گذران اوقات فراغت، ارتباطات اجتماعی، نیاز به محیط‌های آموزشی و محیط‌های اجتماعی توصیف نمود. به هر حال نتیجه روش زندگی در تصور مردم به زندگی ایده‌آل در محیط‌های ایده آل ختم می‌شود.

روش زندگی و مسکن

واحد مسکونی یک پدیده پیچیده‌ای است که هیچ تعریف واحدی برای توصیف آن کفایت نمی کند، اما تمام تعاریف در یک موضوع واحد اتفاق نظر دارند که انسان‌ها با نقطه نظرات و ایده آل‌های متفاوت به محیط‌های فیزیکی مختلف پاسخ می‌گویند.

پاسخ ها معمولاً از یک مکان به مکان دیگر متفاوتند، زیرا تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر زمینه های محیطی، جهان بینی افراد، شرایط اقتصادی و فرهنگ اجتماعی پدید می‌آیند. عوامل فوق و نحوه پاسخ گویی به آن‌ها در یک مکان با گذشت زمان به طور تدریجی تغییر می‌کنند.

مسکن تنها یک ساختار نیست، بلکه یک "نهاد" است که برای مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌گردد و به سبب اینکه پدیده‌ای اجتماعی نیز می‌باشد، انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم فیزیکی آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، .... آن تأثیر می پذیرد. خانه انسان‌های بدوی تنها یک پناهگاه نبوده، بلکه مفاهیم موجود در آن بیش از سودمندی، یا کالبدی فیزیکی بوده است (Rapaport, 1969).

هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است، به بیان دیگر علاوه بر تأمین نیازهای شخصی باید نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی او را نیز بر آورده نماید. بافت های مسکونی و ساختمان‌های بومی کمتر نتیجه امیال شخصی هستند و بیشتر نشان دهنده اهداف و امیال گروه ها برای یک محیط آرمانی می‌باشند. بنابراین آن‌ها دارای ارزش‌های نمادینی هستند که توسط فرهنگ اجتماعی به وجود آمده‌اند و می‌توان آن‌ها را محصول عوامل مشترک اجتماعی دانست. عوامل مشترک اجتماعی شامل تمام جنبه‌های محیطی و فرهنگ اجتماعی می‌باشد واز مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر مسکن و محیط‌های مسکونی هستند.

زمینه‌های محیطی که شامل همه اجزای موجود در محیط، یعنی محیط‌های ساخته شده موجود، شرایط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

اجتماعی، شرایط فیزیکی و شکل عوارض طبیعی محیط، شرایط اقلیمی، مصالح در دسترس، روشهای ساخت و فن‌آوری روز می‌باشند، که بر فرم و سازمان فضایی تأثیر می‌گذارند. اما تأثیر گذارترین جنبه محیطی بر شکل‌گیری مسکن، سلسله‌ای از عوامل اجتماعی می‌باشند. یعنی در نهایت عاملی که فرم فضا و نحوه ترکیب‌ها را در محیط‌های مسکونی به‌وجود می‌آورد "رویای انسانها از زندگی آرمانی" آنان می‌باشد. لذا می‌توان جنبه فرهنگ اجتماعی را عامل اصلی، و بقیه جنبه‌ها را عوامل ثانویه در نظر گرفت، عوامل فرهنگ اجتماعی نیز شامل عقاید مذهبی، ساختار طایفه‌ای، ساختار خانوادگی، سازمان اجتماعی، روش امرار معاش، روابط اجتماعی بین افراد و خویشاوندان می‌باشد و معمولاً راه حل ها و نحوه پاسخ گویی به این گونه نیازها، نسبت به نیازهای فیزیکی محیطی بسیار متنوع‌تر هستند.

راپاپورت اظهار می‌دارد که مسکن و سکونتگاه‌ها توصیفی فیزیکی از عوامل مشترک اجتماعی هستند (Rapaport, 1969).

او هم چنین خانه را یک حقیقت انسانی می‌داند که انسان حتی در سخت‌ترین شرایط، برای دستیابی به خانه آرمانی خود تلاش نموده است، و می‌توان انتخاب‌های او را که مستلزم وجود ارزشهای فرهنگی است، در آن مشاهده نمود. لذا فرهنگ اجتماعی، عامل اصلی در ساختار روش زندگی، و شکل فیزیکی خانه‌ها و سکونتگاه‌ها می‌تواند یک تجسم فیزیکی از محیط آرمانی در نظر گرفته شود.

"مفهوم خانه" به‌عنوان یک شکل کالبدی، بر اساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی‌گیرد، بلکه "معنی" در طراحی آن اهمیت پیدا می‌کند. در زندگی روزمره "معنی" در استفاده از فضاها نهفته است. مکان‌ها دارای معنی هستند و خانه مکان اصلی فعالیت‌های روزانه انسان می‌باشد (Zukin, 1995).

انسان بیشترین ساعات زندگی خود را در آن می‌گذراند و مکانی است که تعاملات مرسوم زندگی و تعاملات اجتماعی در آن صورت می‌گیرد (Saunders, 1990). اینکه انسان چگونه از فضاهای خانه خود استفاده می کند نیز یک پدیده فرهنگی است. زیرا استفاده هدف‌مند از فضاهای مسکونی، آدابی را خلق می‌کند که تفاوت بین "خانه و کاشانه" (Home & House) را پدید می‌آورد (Lawrence, 1995).

کاشانه مکان امنی است که هم آسایش و هم انتظارات و توقعات انسان را تأمین می‌کند و هویت او را به نمایش می‌گذارد. لذا آدابی که در محیط خانه وجود دارد، فرایندی است که می‌تواند خانه را به کاشانه تبدیل کند (Perkins & Thorns, 2000). لذا این گونه محیط‌ها ارزش‌های مورد نظر کاربران را به میزان قابل قبولی تأمین می‌نمایند. بنابراین در طراحی توجه به موضوعات مختلف و معانی آن‌ها اهمیت بیشتری نسبت به عملکرد پیدا می‌کند (Chaney, 1996).

در جامعه شناسی "روش زندگی"، (Life style) به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک دیده شده است و زندگی روزمره و رفتارها در زمینه اجتماعی خاصی معنی دار هستند. فعالیت‌هایی نظیر نوع و میزان ارتباطات اجتماعی افراد، نوع استفاده از فضا، زمان، نوع روابط خویشاوندی و خانوادگی و نظایر آن در زمینه‌های مختلف اجتماعی فرهنگی متفاوت می‌باشند.

در مفهوم "روش زندگی" نوع فعالیت‌هایی که صورت می گیرند، دلیل انجام آن‌ها و این که فعالیت‌ها برای آن‌ها چه معنی دارند، را تشریح می‌کند. روش زندگی، روشهای مختلف استفاده از مواد، محل ها و زمانی که آن‌ها صرف می‌کنند را مشخص می‌کند. به بیانی دیگر چگونگی استفاده از فضاها در زندگی روزمره را تعیین می‌نماید.(تصویر شماره ۸)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

آنچه که انسان در زندگی روزانه خود به انجام می‌رساند، انتظام بخشیدن به روش استفاده از فضاهاست.

در واقع وجود رسم و رسوم زندگی، کوششی است برای حفظ فرهنگی خاص، بنابراین فعالیتی نظیر غذا پختن باید به‌عنوان یک تجلی فرهنگی دیده شود. در حقیقت حتی وقتی امکانات متعددی وجود داشته باشد، کارهای عادی و روزمره توسط ریشه‌های فرهنگی هدایت می‌شوند، نظیر گردهمایی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی. توجه به این موضوع که انسان‌ها چگونه از فضاهای زندگی در رسوم روزمره استفاده می‌کنند، نکته‌ای کلیدی است که می‌تواند معانی نهفته در محیط‌های زندگی آن‌ها را روشن نماید. لارنس (Lawrence, 1995) در این باره اظهار می‌دارد که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط ایفا می‌کنند، می‌توانند در کشف شیوه استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند.

در میان برجسته‌ترین رسوم و قواعد، رعایت آداب ساخت و ساز، هم از نقطه نظر به نمایش گذاشتن مقام اجتماعی خانواده و هم از نقطه نظر رعایت آداب اجتماعی در محیط‌های مسکونی مورد توجه قرار می‌گیرد. آداب ساخت و ساز بیشترین تأثیر را در روش استفاده از فضاهای عمومی، تعیین محدوده‌های مالکیت، نوع جهت‌گیری ساختمان؛ فاصله آن‌ها از یکدیگر و مهم‌ترین آن‌ها سلسله مراتب دسترسی از طریق توجه به شأن و مرتبه حرمت هر بنا در محیط پیچیده محله‌ای و محیط کلان شهری، خواهد داشت.

مفهوم روش زندگی که به بسیاری از جنبه‌های رفتاری وابسته است، در طراحی محیط‌های مختلف از طریق

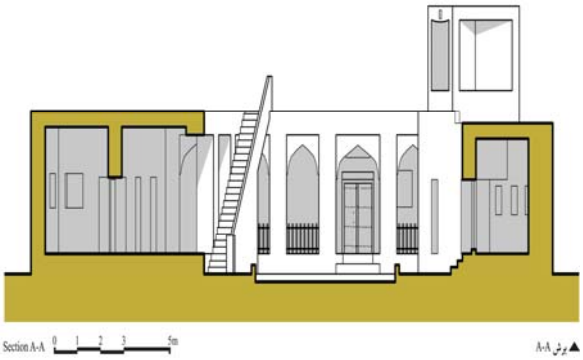

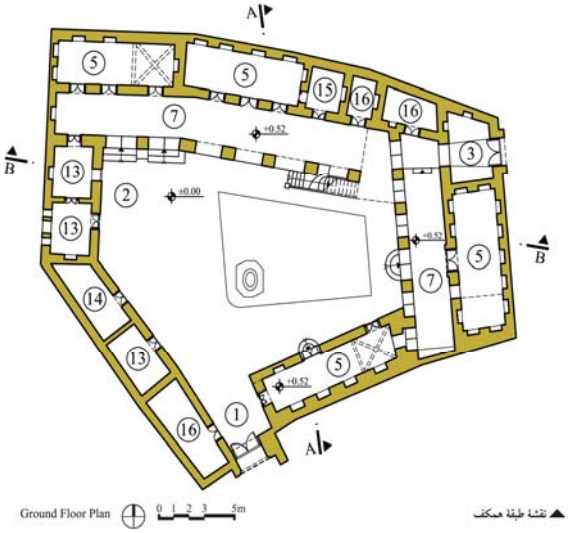

۱. ورودی ۵. اتاق ۱۴. دستشویی
۲. حیاط ۷. ایوان ۱۵. حمام
۳. هشتی ۱۳. آشپزخانه ۱۶. انبار

"ت۸" واحد مسکونی. خانه سلیمانی، لافت، جزیره قشم.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

تأثیرات متقابل محیط و رفتار، روش استفاده از فضاها را تعیین می‌کند. روش زندگی که منتج از رفتارها و سیستم‌های رفتاری می‌باشد، ارزش‌های فرهنگی را در درون خود به همراه دارد. معماران و برنامه‌ریزان که با تحلیل‌های رفتاری نسبتاً آشنایی دارند، باید به "معنی" به‌عنوان محصولی از ادراک محیط نیز توجه نمایند. زیرا در بسیاری از مواقع تصور نادرستی از تفاوت بین "عملکرد" و" معنی" وجود دارد. "معنی" فقط شرایط مهمی از عملکرد و رفتار نیست، بلکه "مهم‌ترین نقش کیفی و کارامدی "محیط مصنوع" را مطرح می‌کند، زیرا شرایط ویژه‌ای از سیستم‌های رفتاری، منجر به ویژگی در قرارگاه‌های رفتاری می‌گردد و محیط‌های متفاوت از یکدیگر به‌وجود می‌آیند، که منتج از رابطه بین فرهنگ و محیط خواهد بود. لذا روش زندگی و سیستم های رفتاری هر دو با هم در تحلیل محیط ها در کنار هم حضور دارند.

روش زندگی نظیر کیفیت‌های محیطی نتیجه یک انتخاب است و در حقیقت یک انتخاب قاعده‌مند است از بین گونه‌های مختلف که واجد ویژگی خاصی می‌باشد. یک شیوه مناسب جهت مطالعه روش زندگی گروه‌های مختلف، بررسی متغیرهای اصلی است، زیرا به راحتی می‌توان آن‌ها را در محیط‌های زندگی مشاهده نمود. از سوی دیگر متغیرها نیز می‌توانند گروه‌های مختلف را مشخص نمایند.

مطالعه درباره روش زندگی را می‌توان با استفاده از چهار متغیر اصلی شروع نمود، این متغیرها شامل طبیعت اجزاء، مرتبه اجزاء (یعنی میزان اهمیت آن‌ها نسبت به یکدیگر) وجود یا عدم وجود اجزاء، میزان اندازه آن‌ها در مقایسه با دیگر اجزاء می‌باشد. هدف از اجزاء در حقیقت فضاهایی هستند که در تجلی روش زندگی نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند.

نتیجه

در روش زندگی که انتخاب‌ها قاعده مند می‌گردند، شرایط کیفی آن کامل‌تر از کیفیت‌های محیطی است، زیرا می‌توان آن را ترکیبی از کیفیت‌های محیطی و کیفیت عادی و فرهنگی انسان در نظر گرفت. در چنین شرایطی کیفیت‌های محیطی با روش زندگی در تعامل قرار می‌گیرند. به‌طور بالقوه این دیدگاه در برنامه‌ریزی، طراحی، ارزیابی و هم چنین تحقیقات بسیار پر اهمیت خواهد بود. زیرا می‌توان تأثیرات روش زندگی را بر کیفیت‌های محیطی و انتظارات ساکنان از محیط ها مورد مطالعه قرار داد، یا می توان تأثیر محدودیت‌ها را بر امکان سنجی مطالعه و تحلیل نمود.

منابع

- آشوری، داریوش. تعریف ها و مفهوم فرهنگ. چ۲. تهران: آگاه، ۱۳۸۱.

- سرتیپی پور، محسن. خانه های روستایی ایران. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

- Chaney, David, Lifestyles: *Key Ideas*, Routledge, London, 1996.

- Dahl, Dan and Randolph Sykes, *charting your goals: personal life-goals planne*r, New York, Harper & Raw, 1983.

- Lawrence, R.J., *Deciphering home: an integrative historical perspective*, In: Benjamin and Stea, 1995.

- Rapoport, Amos, A. *House Form and Culture*, Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall, 1969.

- Rapoport, Amos, *Culture Architecture and design*, Locke science publishing company, Inc, Chicago, USA, 2005.

- Rapoport, Amos, the *study of spatial quality*, J of Aesthetic Education vol.4, n4, October 1970, p. 81-96.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

- Saunders, Peter; *A Nation of Home Owners*, London: Unwin Hyman, 1990.

- Thorns, C, Perkins, H. C., *Exploring the Meaning of Home: Build*, November/December, 2000.

- Zukin, Sharon, *Cultures of Cities*, Cambridge, Mass.; Oxford: Blackwell, c1995.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]